

بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت زنان در اجرای خط مش‌های فرهنگی (مورد مطالعه: زنان شهر اصفهان)

مهربان هادی پیکانی^۱، محبوبه صادق‌زاده تبریزی^{۲*}

۱- استادیار گروه مدیریت دولتی گرایش منابع انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان

۲- دانشجوی دکتری مدیریت دولتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت زنان در اجرای خط مش‌های فرهنگی در شهر اصفهان انجام شده است. فرضیات پژوهش با تاکید بر پشتوانه نظری پژوهش تدوین شده‌اند و روش پژوهش کمی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش زنان شهر اصفهان هستند که بر اساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. یافته‌های حاصل از تحلیل رگرسیون دو متغیره در این پژوهش نشان داد که سطح دسترسی زنان به فناوری‌های نوین، میزان آگاهی زنان از حقوق شهروندی، میزان آگاهی دانشی و تحصیلی زنان و میزان مسئولیت‌پذیری زنان بر میزان مشارکت آنان در اجرای خط مش‌های فرهنگی تاثیر مستقیم و معناداری دارد، اما میزان بیگانگی سیاسی زنان بر میزان مشارکت آنان در اجرای خط مش‌های فرهنگی تاثیر معکوس و معناداری دارد.

واژه‌های کلیدی: دسترسی به فناوری، حقوق شهروندی، آگاهی دانشی و تحصیلی،

مسئولیت‌پذیری، بیگانگی سیاسی.

مقدمه و بیان مسأله پژوهش

دولت‌ها خط‌مشی‌هایی را برای کاهش ضعف‌های فرهنگی و تقویت بسترهای ارزشی جامعه تدوین کرده‌اند، که برای پیاده‌سازی موثر خط‌مشی‌ها و دستیابی به اهداف مورد نظر، نیاز به مشارکت و حمایت عمومی همه شهروندان بوده و عوامل متعددی از جمله عوامل سیاسی-اجتماعی بر اجرای خط‌مشی‌ها اثرگذارند. یکی از حوزه‌های خط‌مشی‌گذاری، فرهنگ است. اما به دلیل پیچیدگی موضوع فرهنگ و وسعت قلمرو این مفهوم فرایند خط‌مشی‌گذاری در این حوزه نیازمند دقت و تمرکز است. بنابراین خط‌مشی‌گذاری فرهنگی نسبت به سایر زمینه‌ها نیازمند دقت بالاتری از جانب خط‌مشی‌گذاران است (الوانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳). همچنین یکی از مهمترین ابزارهای مدیریت دولتی نوین خط‌مشی‌های فرهنگی در جامعه است که چارچوبی را برای سایر تصمیم‌گیری‌های ملی و محلی فراهم می‌آورد. این مسأله لزوم تجزیه و تحلیل خط‌مشی‌های فرهنگی را به عنوان یک موضوع درخور توجه در مدیریت جدید جوامع مطرح می‌سازد. اجرایی شدن خط‌مشی‌های فرهنگی و تقویت و گسترش تأثیرات مثبت فرهنگی در جامعه اسلامی یکی از اهداف مهم نظام جمهوری اسلامی ایران است (ملامیرزایی، ۱۳۹۵: ۸۵). از آنجایی که مردم صاحبان فرهنگ هستند و خود باید مسؤول اجرای سیاست‌ها و خط‌مشی‌های فرهنگی باشند و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی دولت باید معطوف به فراهم کردن بستر مناسب برای مشارکت و فعالیت‌های فرهنگی مردم باشد (اشتریان، ۱۳۹۱: ۲۱۴)، بنابراین تسهیم کردن زنان و مشارکت دادن آنها در تدوین و مهمتر از آن اجرای این خط‌مشی‌ها بسیار لازم و حیاتی است. چرا که زنان در همه کشورها یکی از اهداف توسعه هستند و نقشی بسیار کلیدی در تحولات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایفا می‌کنند. نادیده گرفتن زنان به مثابه نیمی از نیروی انسانی جامعه در فرایند توسعه به معنای کامل نبودن برنامه‌های توسعه است. به همین سبب لازم است راهبردها و برنامه‌های توسعه‌ای، نیازهای گوناگون زنان را در حوزه‌های مختلف مدنظر قرار دهند. هدف برنامه‌های توسعه درباره زنان، رشد استعدادها و توانایی‌های آنها به منظور به کارگیری آنان در خدمت توسعه همه جانبه است (سبزه‌ای و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۰) و در عرصه اجرای خط‌مشی‌های فرهنگی جامعه این ارزش دوچندان خواهد بود. بر همین اساس، اجرای خط‌مشی به عنوان یک مفهوم

مدیریتی تمام‌فعالیت‌های مربوط به فرایند خط‌م‌ش‌گذاری را در بر می‌گیرد. اگرچه اجرای خط‌م‌شی یک پدیده پیچیده است، اما ممکن است به عنوان یک فرآیند، یک برونداد و یا یک پیامد در نظر گرفته شود. نکته‌ای که نباید از نظر دور داشت رابطه در هم تنیده اجرای خط‌م‌شی و عوامل سیاسی-اجتماعی مؤثر بر مشارکت عمومی بر اجرا است.

سیاست‌ها و خط‌م‌ش‌های فرهنگی پیشینه‌ای دیرینه دارند و از گذشته‌های دور تاکنون تمام کشورها برای حفظ برخی از ارزش‌های حیاتی خود و کسب ارزش‌های فرهنگ ملل دیگر اقدام به دریافت مجموعه‌ای از تصمیمات کلان کرده‌اند و این بدین معناست که ملل گذشته دارای سیاست‌های فرهنگی ضمنی یا صریح برای خود بوده‌اند و اکنون نیز سیاست فرهنگی را می‌توان مجموعه تصمیمات کلان و چارچوب‌های قانونی خاصی دانست که حکومت‌ها برای حفظ و استقرار شرایط فرهنگی-اجتماعی مطلوب و مناسب برای پیشبرد اهداف فرهنگی خود در جامعه اتخاذ می‌کنند. به عبارت دیگر، سیاست‌های فرهنگی، مایل به حفظ وضعیت فعلی جامعه (ایستایی نه تغییر و پویایی) هستند. البته لازم به ذکر است که سیاست‌های فرهنگی پیشرفته و نوین، ناظر به پویایی نظامند جامعه هستند، اما این خود بیانگر تغییرات ضمنی و کند است نه تغییرات بنیادین، پر شتاب و هدفمند (شورای سیاست‌گذاری فرهنگی، ۱۳۸۶). سیاست‌های فرهنگی در هر جامعه روند متفاوتی را دنبال کرده‌اند و این سیاست‌ها در جوامع توسعه یافته و در حال توسعه گاه‌ها متناقض نیز ظاهر می‌شوند.

در ارتباط با سیاست‌های فرهنگی جوامع در حال توسعه می‌توان گفت که این کشورها در برابر چالش‌ها و فرصت‌های فزاینده جهانی شدن باید، سیاست‌های فرهنگی‌ای را اتخاذ کنند که از این فرصت‌ها حداکثر استفاده را بکنند و در مقابل آن از تهدیدهای که فراروی این کشورها گشوده می‌شود، کمتر آسیب بینند. نکته اساسی این که کشورهای در حال توسعه با توجه به وضعیت خاص که دارند؛ نتوانسته‌اند سیاست فرهنگی خاصی را در قبال جهانی شدن اتخاذ کنند. چون در این کشورها هیچگونه توافقی بر ارزش‌های فرهنگی وجود ندارد، لذا نمی‌توان انتظار داشت که این کشورها یک سیاست فرهنگی مسجم و همسویی را در برابر امواج جهانی شدن اتخاذ نمایند، اما در سطح ملی این کشورها می‌توان گفت که هر یک از این کشورها با توجه به نیازها و الویت‌های فرهنگی خود سیاست‌های فرهنگی خاصی را می‌توانند

درپیش گیرند (گل محمدی، ۱۳۹۰). در ایران نیز در بحث خط مش گذاری فرهنگی هدف دولت هدایت و سرپرستی همه شئون زندگی اجتماعی در جهت سعادت، قانونمندی و ضابطه‌مندسازی فرهنگ، مقابله با هرج و مرج فرهنگی، اتخاذ موضع فعال فرهنگی در نظام موازنه جهانی، جلوگیری از ورود فرهنگ فاسد بیگانه به عرصه فرهنگ و حفظ استقلال فرهنگی است (صالحی امیری و حیدری‌زاده، ۱۳۸۷: ۳۹؛ سبزه‌ای و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۲). تدوین و اجرای خط‌مش‌های فرهنگی هر جامعه همیشه مورد توافق و تایید همه افراد آن جامعه نیست، بر همین اساس بسیاری از خط‌مش‌های تدوین شده در اجرا عملاً با شکست مواجه خواهند بود. چرا که تنظیم سیاست‌های هماهنگ فرهنگی تأثیر مختل‌کننده‌ای بر فعالیت سازمان‌های خصوصی دارد و در موارد متعددی به مداخله نابه جای دولت در توسعه فرهنگی منجر می‌شود که ممکن است سازنده نباشد و اثری منفی بر فرهنگ بگذارد (صالحی امیری و عظیمی دولت‌آبادی، ۱۳۸۷: ۹۰). از این رو در تدوین خط‌مش‌ها باید به مشارکت همه شهروندان در اجرای همه جانبه آنها اندیشید. در بیشتر جوامع در حال توسعه نقش زنان در اجرای سیاست‌های موجود بسیار کم‌رنگ و در مواردی اصلاً نقشی ندارند. معمولاً بینش حاکم بر این نوع جوامع این است که زنان فاقد هر گونه توان جهت اظهار نظر و تصمیم‌گیری در امور سیاسی و فرهنگی هستند آنها صرفاً باید به کارهای منزل و پرورش کودکان بپردازند و در کنار آن به شوهران خود در امور تولیدی کمک نمایند، بدیهی است وجود چنین بینشی در نهایت مشارکت زنان را بویژه در اجرای خط‌مش‌های فرهنگی با محدودیت مواجه خواهد ساخت و نحوه مشارکت آنان را نیز تحت تأثیر خواهد داد. بر همین اساس در این بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت زنان بر اساس رویکردهای نظری موجود، در اجرای خط‌مش‌های فرهنگی به صورت میدانی مورد مطالعه و پژوهش قرار گرفته است.

اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

مشارکت در اجرای خط‌مش‌ها از طریق درگیر شدن فعال همه اعضا در سیاست‌گذاری‌ها و تعیین خط‌مشی‌ها و برنامه‌ها، همچنین نظارت بر اجرای فعالیت‌ها معنا پیدا می‌کند. متناسب با هنجارها و ارزش‌های جامعه، نقش اعضا در تصمیم‌گیری‌های فرهنگی جامعه برجسته و تعیین

کننده است (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۹۵). از آنجایی که همیشه در عرصه فرهنگ نیز به طور مستمر، مشکلات و همچنین راه‌حل‌هایی برای آنها ایجاد می‌شود، به نظر می‌رسد حل مشکلات و ارایه راه‌حل‌ها باید مطابق با خط‌مشی‌های موجود باشد و در راستای اجرای موفق این سیاست‌ها باید خط‌مشی از روندها و مدل‌های عقلایی تبعیت کند (فنج، ۲۰۰۸: ۱۶۶).

خط‌مشی فرهنگی نیز به معنای عام و عرفی، مجموعه‌ای از اهداف، مبانی، اصول، اولویت‌ها و خط‌مشی‌های اجرایی را شامل می‌شود. در واقع، خط‌مشی فرهنگی بر نوعی توافق رسمی و اتفاق نظر مسئولان و متخصصان امور در تشخیص، تدوین و تبیین مهمترین اصول و اولویت‌های ضروری برای هدایت حرکت فرهنگی دلالت دارد (شورای فرهنگ عمومی، ۱۳۸۶: ۱۳۷).

سیاست‌گذاری فرهنگی ایران؛ دولتی، متمرکز و با دخالت بیشینه دولت در امور فرهنگی است که در آن بخش خصوصی فرهنگ، بسیار ضعیف و به شدت وابسته به دولت است (وحید، ۱۳۸۱: ۱۵). این موضوع به خوبی در اصل ۴۹ و ۵۰ سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی مشهود است. شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان مرجع عالی سیاست‌گذاری تعیین خط‌مشی، تصمیم‌گیری، هماهنگی و هدایت امور فرهنگی و آموزشی و پژوهشی کشور در چارچوب سیاست‌های کلی نظام محسوب می‌شود که تصمیمات و مصوبات آن لازم‌الاجرا و در حکم قانون است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۲). این شورا موظف به سیاست‌گذاری فرهنگی بر اساس سیاست‌های کلی ابلاغی از سوی رهبری است و در رده پایینتر از آن نهادهایی نظیر شورای فرهنگ عمومی، فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر امور فرهنگی معاونت نظارت راهبردی ریاست جمهوری و کمیته فرهنگی دولت قرار دارند (اشتریان، ۱۳۹۱: ۱۸۴). از وظایف اصلی شورای عالی انقلاب فرهنگی تعیین مبانی، اهداف، اصول فعالیت‌ها و سیاست‌های فرهنگی کشور است. با توجه به آغاز تدوین برنامه پنجم و ضرورت تحول در نگاه راهبردی به فرهنگ در تحقق اهداف کلان نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، شورای فرهنگ عمومی اصول و سیاست‌های ذیل را جهت ارتقای جایگاه فرهنگ در برنامه پنجم،

براساس سند چشم‌انداز ۲۰ ساله نظام و به ویژه سند چشم‌انداز فرهنگ عمومی با هدف غائی تحقق کامل تعبد و تقرب الهی براساس آموزه‌های اسلامی تصویب و ارائه کرده است.

الف: اصول کلان فرهنگی در برنامه پنجم

۱- تحقق مفاد چشم‌انداز فرهنگ عمومی در افق ۱۴۰۴ و سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی در برنامه به نحو قابل سنجش براساس شاخص‌های مصوب

۲- تغییر ساختار فعلی اقتصاد محور برنامه توسعه به ساختاری با محوریت فرهنگ

۳- افزایش و تنظیم هدفمندانه اعتبارات سهم بخش فرهنگ در بودجه‌ریزی کشور

ب: سیاست‌های فرهنگی در برنامه پنجم

۱- نشر فراگیر و عالمانه معارف قرآن و اهل بیت، تحقق حاکمیت احکام و ارزش‌های الهی در سطح جامعه و تأکید بر کاربست ادبیات اسلامی و انقلابی در سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و تبلیغات دینی.

۲- ترویج فضائل اخلاقی و رفتارهای پسندیده اسلامی، ارزش‌های انقلاب اسلامی و منویات حضرت امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی در اندیشه و عمل به منظور طراحی و تحقق الگوی بومی توسعه

۳- تنظیم مناسبات اجتماعی، براساس ارزش‌های انقلاب اسلامی، منویات امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی در جهت زمینه‌سازی تأسیس تمدن اسلامی

۴- تأکید بر حفظ استقلال فرهنگی نظام اسلامی، تقویت هویت ملی، وحدت و وفاق اجتماعی و ارتقای اعتماد به نفس فردی و ملی با اعمال سیاست‌های ایجابی و فعال فرهنگی در عرصه داخلی و خارجی مانند صیانت و ترویج خط و زبان فارسی، بازتولید فرهنگی ودایع تمدنی و مآثر تاریخی و ...

۵- تعمیق بصیرت سیاسی، دشمن‌شناسی و شناخت ابعاد گوناگون ترفندهای دشمنان انقلاب اسلامی خصوصاً ناتوی فرهنگی و ترویج روحیه ظلم‌ستیزی و مبارزه با استکبار جهانی با تعمیق روحیه تدبیر و نگاه نقادانه به تمدن مدرن

- ۶- احترام به علم و حقیقت، تکریم و تقویت عالمان و فرهیختگان، تعمیم و تعمیق روحیه کاوش، تحقیق، مشورت، کار گروهی و سعه صدر در مباحث علمی
- ۷- محوریت نهاد خانواده در برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و ترویج فرهنگ ازدواج سالم و ساده
- ۸- ترویج و تعمیق فرهنگ مهدویت با تأکید بر خصلت راهبردی آن در مدیریت اجتماعی و ترویج هنرمندانه و توأم با ظرافت عرفان و معنویت ناب اسلامی در راستای دفع تهدید جریان‌های شبه معنوی
- ۹- محوریت مسجد در طراحی‌های جامع شهری و روستایی، معماری و شهرسازی با هدف اصلاح سیما و هندسه شهری
- ۱۰- ارتقای جایگاه مسجد و اقامه نماز و حمایت از گسترش، تعمیق، افزایش ظرفیت و ایجاد زیرساخت‌های حوزه‌های علمیه خواهران و برادران
- ۱۱- تقویت و گسترش مرجعیت فرهنگی جمهوری اسلامی در منطقه، جهان اسلام و مستضعفین و مدیریت فعال و مؤثر در تعاملات و ارتباطات بین‌الملل با صدور الگوی تفکر دینی و انقلاب اسلامی و پیشگامانه جریان‌های فرهنگی
- ۱۲- گسترش روابط عینی و ذهنی مسلمانان جهان با ایران جهت تحقق امت واحده اسلامی
- ۱۳- بسترسازی فرهنگی برای مصرف کالای داخلی، افزایش تولید و صادرات کالاهای غیرنفتی، خدمات و فناوری با محوریت کیفیت و توجه به شاخص‌ها و مدارک بومی و ملی در تولیدات و خدمات اقتصادی
- ۱۴- غنی‌سازی اوقات فراغت و سامان‌دهی فرهنگ صرف زمان براساس نگاه اسلام بسترسازی و مدیریت فرهنگی اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی
- ۱۵- توسعه و ترویج هنر اسلامی و حمایت هدفمند از صنایع و فعالیت‌های فرهنگی بومی به ویژه ادبیات داستانی و قصه‌پردازی مبتنی بر فرهنگ اسلامی - ایرانی
- ۱۶- محوریت آموزه عدالت فرهنگی در برنامه‌ریزی‌ها و رفع کامل فقر و ضعف علمی - فرهنگی از مناطق محروم کشور

۱۷- جایگزینی و ترویج الگوهای بومی و اسلامی در ورزش و سیاستگذاری‌های حوزه

تربیت بدنی

این اصول و سیاست‌ها در دو بخش و یک مقدمه در جلسات ۴۷۳ و ۴۷۴ مورخ ۸۶/۱۰/۱۱ و ۸۶/۱۰/۲۵ به تصویب شورای فرهنگ عمومی رسید.

بنابراین از آنجایی که در ایران اجرای خط مشی‌ها در عمل با مشکلاتی مواجه هستند، عدم حمایت عمومی همه شهروندان به ویژه زنان و عدم صلاحیت و شایستگی اداری معمولاً در شکل بوروکراسی‌های بسیار دست و پاگیر موجب به تأخیر افتادن اجرای خط مشی‌ها می‌گردد، بنابراین باید تلاش‌هایی در جهت شناسایی موانع اجرا انجام شود و این پژوهش در نظر دارد عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت زنان در اجرای خط‌مشی‌های فرهنگی مورد مطالعه و پژوهش قرار دهد.

ادبیات و چارچوب نظری پژوهش

- مشارکت کنندگان خط مشی

یکی از موضوعات مهمی که در سال‌های اخیر در بین کشورهای جهان اهمیت زیادی یافته است، بحث مشارکت عمومی مردم در فرایند خط‌مشی‌گذاری است. منظور از مشارکت عمومی در واقع مشاوره و گفت‌وگو بین بخش‌های مختلف جامعه و نظرخواهی از آنها برای اثرگذاری بر فرایند تدوین خط‌مشی‌ها است. ایجاد استانداردهایی برای فرایندهای مشارکتی نظیر مشاوره مکتوب مردم با دولت، هم به سیاست‌گذاران در مطلع شدن از خواست‌های مردم کمک زیادی می‌کند و هم مردم را به مشارکت بیشتر در امور کشور تشویق می‌کند. در ایران نیز خط‌مشی عمومی به وسیله دولت خلق می‌شود و به وسیله بازیگران عمومی یا خصوصی به اجرا در می‌آید و در نهایت دارای تاثیرات مستقیم و غیر مستقیم در زندگی همه شهروندان و آحاد جامعه است. وضعیت عمومی جامعه خط‌مشی‌گذاری مطلوبی را نشان نمی‌دهد و در بسیاری از پروژه‌ها فرایند خط‌مشی‌گذاری شکست‌هایی را تجربه کرده است و این تجربه شکست بیشتر به خاطر نامناسب بودن ابزارهای پیش‌بینی شده برای اجرای آن بوده است (الوانی، ۱۳۸۷: ۱۲). همچنین دولت‌ها در اجرای بسیاری از خط‌مشی‌های فرهنگی موفق عمل

نمی‌کنند. چالش‌ها، موانع و محدودیت‌های بسیاری ممکن است اجرای خط‌م‌ش‌ها را با اختلال روبرو کند، اما معمولاً هنگامی که مرحله اجرا دچار شکست می‌شود؛ فقط مجریان سرزنش می‌شوند، در حالی که تدوین‌کنندگان خط‌م‌ش‌ها هم نقش زیادی در (موفقیت و) شکست خط‌م‌ش‌ها دارند. در کل عدم رعایت عقلانیت در مرحله تدوین خط‌م‌ش‌ها به وسیله تدوین‌کنندگان می‌تواند به اجرای ناموفق خط‌م‌ش‌ها منجر شود (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۹). در ایران از دلایل اصلی شکست خط‌م‌ش‌ها گذاری‌های فرهنگی، عدم مشارکت شهروندان در اجرای این خط‌م‌ش‌هاست. بر این اساس اگر بتوان با فرایندهایی شهروندان را در راستای اجرای خط‌م‌ش‌ها درگیر کرد، بدون شک نتیجه موفقیت‌آمیزی در انتظار اجرای این خط‌م‌ش‌ها خواهد بود.

- عوامل مؤثر بر اجرای خط‌م‌ش‌ها

در بسیاری مواقع، دگرگونی در اوضاع اجتماعی می‌تواند بر درک افراد از مسأله و در نتیجه، شیوه اجرای خط‌م‌شی تاثیر گذارد، به همین دلیل، بسیاری از مشکلات اجرای خط‌م‌ش‌های فرهنگی کشور ناشی از تحولات پایین برخی اقشار جامعه است (بورد، ۲۰۰۴). همچنین تغییرات اوضاع اجتماعی تاثیر مشابهی برای اجرای خط‌م‌ش‌ها می‌گذارد. برای نمونه برنامه‌ای که اهداف آن را افراد فقیر و بیکار تشکیل می‌دهند، ممکن است پس از افت و خیزهای اقتصادی دستخوش تغییر شود. اوضاع اقتصادی بر حسب منطقه نیز تغییر می‌کنند و لذا انعطاف‌پذیری و اختیارات اجرایی بیشتری لازم دارند. از حیث دسترسی به فناوری‌های جدید نیز باعث دگرگونی‌هایی در اجرای خط‌م‌ش‌های فرهنگی به وجود می‌آید. برای مثال ورود تکنولوژی‌های ارتباطی نوین بر بسیاری از مولفه‌ها و مقوله‌های فرهنگی به طور مستقیم اثر می‌گذارد. همچنین تغییرات اوضاع و احوال سیاسی نیز بر اجرای خط‌م‌ش‌ها موثرند. تعویض دولت ممکن است، بدون آنکه در خود خط‌م‌ش‌ها تغییری ایجاد کند، شیوه اجرای آن را دگرگون سازد (هاولت و رامش، ۱۳۸۰). در شرایط خاص دیگری برخی متغیرهای مهمتری می‌توانند در اجرای خط‌م‌ش‌ها تعیین‌کننده باشند. یکی از این متغیرها بیگانگی سیاسی است. بیگانگی سیاسی برای فرد شرایطی را فراهم می‌کند که فرد را به انزوا و دوری‌گزیدن از فرایند

مشارکت می‌کند. از آنجایی که مشارکت نقش تعیین کننده‌ای در اجرای خط مش‌های جدید دارد، بنابراین مقوله‌ای مانند بیگانگی تمایل متخصصان عمومی برای اجرای خط مش‌های جدید کاهش می‌دهد. از آنجایی که امروزه بسیاری از خط مش‌های فرهنگی بر ارزش‌های فرهنگی و هنجارهای عام تمرکز می‌کنند، غالباً کسانی مقاومت در برابر اجرای چنین خط مش‌هایی را نشان می‌دهند که درجه‌ای از بیگانگی سیاسی را تجربه کرده باشند (تومرز^۱، ۲۰۱۱: ۵۵۹). در کل الگوهای نظری متعددی برای اجرای فرایند خط مشی گذاری وجود دارند که این الگوهای نظری خط مشی گذاری یک چارچوب نظری پویا هستند که می‌توانند فرد را در تشریح، پیش‌بینی، تجویز و بازسازی واقعیت خط مشی گذاری یاری دهند (گری و دلون، ۲۰۰۱: ۴۸). تا کنون در مطالعات صورت گرفته الگوهای زیادی برای خط مشی گذاری عمومی ارائه شده است. برخی از این الگوها شامل؛ از الگوهای نهادی، فرایندی، گروهی، عقلایی، ادراکی، سیستمی، تدریجی، انتخاب عمومی، تلفیقی، آشوب، بحران و ... هستند (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۳: ۳۷). نظریه‌ها و الگوهای مختلفی برای تبیین فرایند خط مشی گذاری طرح شده اند که با عنایت به روند رو به افزایش آنها و پیچیدگی روز افزون آنها محال است بتوان در یک مثال آنها را بطور مبسوط مورد بحث قرار داد. لذا با عنایت به ضرورت اختصار به بررسی تعدادی الگوهای اصلی که بیشتر توجه اندیشمندان را به خود جلب کرده است، پرداخته می‌شود.

در الگوی عقلایی مطلق^۲ عقلانیت مطلق، خردگرایی انسان اقتصادی است که در تقابل با انسان اجتماعی قرار دارد. انسان اقتصادی در هر لحظه ترجیحات خود را تشخیص می‌دهند و اهداف مشخص و منسجم را دنبال می‌کند. این الگوی بر سه فرض اساسی استوار است؛ اول، دسترسی خط مشی گذار به تمامی اطلاعات مورد نیاز. دوم، شناخت روشن از ترجیحات و خواسته‌ها و سرانجام برخورداری خط مشی گذار از استدلالی کلی نگر که امکان بررسی جامع همه راه‌حل‌ها و مقایسه آنها را به وی می‌دهد (اندرسون، ۲۰۰۳: ۱۳). مراحل خط مشی گذاری بر اساس این الگو به این صورت است. تعریف اهداف، درجه‌بندی ارزش‌ها،

1 Tummers

2 Absolute Rationality Model

مشخص کردن ترجیحات، شناسایی همه گزینه‌های مناسب، محاسبه همه نتایج گزینه‌ها و مقایسه آنها و انتخاب گزینه یا ترکیبی از گزینه‌ها که می‌تواند بیشترین ارزش را به حداکثر برساند (تنسی^۱، ۲۰۰۳: ۸۹). این الگو وقتی عقلایی است که به حداکثر «سود اجتماعی» برسد، از این رو دولت‌ها باید خط‌مشی‌هایی را انتخاب کنند که منجر به منافع در جامعه شده که این منافع بیشتر از هزینه‌ها شود، همچنین دولت‌ها باید از خط‌مشی‌هایی که منافعش بیشتر از هزینه‌ها نمی‌شود، خودداری کنند.

اما در الگوی اکتشافی - ابداعی بر خلاف شیوه عقلایی، هدف یافتن بهترین‌ها نیست؛ اگر چه ممکن است به طور اتفاقی، گاهی نیز بهترین‌ها به دست آید؛ بلکه کوشش در جهت بهینه‌سازی جزئی و نسبی است. در این الگو نوعی برخورد رضایت‌بخش در راه‌حل‌یابی دنبال می‌شود. الگوی مذکور تکنیک‌های مفیدی را در فراگرد تصمیم‌گیری به کار می‌گیرد و از طریق سعی و خطا و حدس و گمان برای رسیدن به راه‌حل رضایت‌بخش تلاش می‌کند. مبنای روش‌های تحلیلی عقلایی، استدلال قیاسی و الگوهای اثبات شده ریاضی است؛ اما مبنای روش‌های ابداعی و اکتشافی، استنباط استقرایی و ویژگی‌های انسانی حل مسأله همچون خلاقیت، بصیرت، الهام و یادگیری است. هر روش خاص ابتکاری که بر اساس الهام یا تجربه، به یافتن جوابی قابل قبول کمک کند، تعقیب می‌شود و به محض یافتن قاعده‌ای برتر، قاعده قبلی به دور انداخته می‌شود (الوانی، ۱۳۸۷: ۸۴؛ پورعزت و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۹).

الگوی بعدی الگوی جریان - در پیچه‌ها است که در این الگو که توسط جان کینگ‌داند مطرح شد و فراگرد دستور کار و نتایج آن را به صورت حاصل تعامل سه جریان اصلی می‌داند؛ در جریان اول مسائل که مربوط به مشکلات و معضلات یا چالش‌ها و موضوعاتی است که مورد توجه مردم و نخبگان واقع شده‌اند. جریان دوم خط‌مشی‌ها که عمدتاً بر روی نحوه حل مسأله متمرکز است و با به کارگیری فناوری حل مسأله، روش‌ها و الگوهای تصمیم‌گیری و قانع‌سازی افکار عمومی سر و کار دارد و مفروضات اساسی جامعه، امکانات و منابع، محدودیت‌ها و ضعف‌ها معیارهای ارزیابی هر تصمیمی است که در این جریان اتخاذ می‌گردد. جریان سوم جریان سیاسی است که از طریق رقابت‌های سیاسی و بده و بستان‌های

گروه‌های ذی‌نفوذ شکل می‌گیرد که از طریق تعامل یا فشار در پذیرش یا رد یک دیدگاه می‌کوشند. تلاقی این سه جریان با یکدیگر، دیدگاهی تلفیقی را به وجود خواهد آورد که دریچه‌های خط‌مشی گشوده می‌شوند. جریان سیاسی مانع از آن است که متخصصان و حرفه‌ای‌ها صرفاً با دیدگاه عقلایی محض در جستجوی راه‌حل باشند و با حاکمیت تصمیم‌گیری عقلایی، راه را بر ورود عوامل مؤثر محیطی یا اجتماعی ببندند و دیدگاهی محتاط و محافظه‌کارانه حاکمیت داشته باشد. جریان خط‌مشی نیز، مانع از کلی‌نگری و صرفاً سیاسی بودن خط‌مشی می‌گردد. همچنین این تلاقی مانع از حاکمیت دیدگاهی مبهم و کلی می‌شود که بدون در نظر داشتن معیار و ملاک‌های خاص، طرح و پیشنهاد ارائه نماید. تلاقی این سه جریان، باعث هماهنگی راه‌حلهای و تطبیق آنها با سیاست‌ها و عقاید عمومی و روحیه ملی می‌گردد. از همین نقطه است که موضوع در دستور کار رسمی قرار می‌گیرد و فراگرد خط‌مشی آغاز می‌شود (دانشفرد، ۱۳۸۹: ۱۶۸).

در الگوی رضایت‌بخش نیز تصمیم‌گیرنده نه همه شقوق؛ بلکه شقوق چندی را در نظر می‌گیرد و نتایج مورد انتظار هر یک را مورد سنجش قرار می‌دهد و به محض اینکه به راهی رضایت‌بخش رسید آن را به عنوان راه مطلوب برمی‌گزیند و دیگر به سایر طرق که ممکن است نتایج بهتری داشته باشند، نمی‌پردازند و نتایج پایین‌تر از حد رضایت‌بخش را هم رد می‌کند (الوانی، ۱۳۸۷: ۸۳-۸۲؛ پورعزت و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۴۰). همانطور که از نامش پیداست در نهایت میزان رضایت ملاک اعتبارش است.

در ارتباط با الگوهای موجود؛ الگوی تغییرات جزئی و تدریجی، الگوی عقلانیت مطلق را مورد انتقاد شدید قرار داده و استدلال کردند که الگوی عقلانیت مطلق از نواقص بسیاری رنج می‌برد که یکی از آنها تغییرات سریع، انقلابی و شتابدار است. این تئوری با عنوان «تدریجی‌گرایی» نیز معروف است. در این الگو نظریه‌پردازانش به تغییرات اندک و تدریجی و حفظ وضع موجود است، نه اهداف انتزاعی بلند پروازانه و تغییرات شدید معتقدند. این الگوی در حله اول متمرکز بر تاثیرات و نتایج کوتاه مدت و پیامدهای مهم اجرا است و توجه چندانی به روش‌های کمی و محاسبه هزینه و فایده نیز ندارد (میلکوویچ و گوردون، ۲۰۰۱).

۳۳). الگوی تغییرات جزئی و تدریجی، خط‌مشی عمومی را به عنوان تداوم فعالیت‌های گذشته دولت با تعدیلات جزئی می‌داند.

در الگوی نخبگان توده نیز هر جامعه دارای دو طبقه کلی نخبگان حاکم و توده‌های پیرو است و خط‌مشی‌ها از سوی نخبگان سیاسی وضع و به توده‌ها تحمیل می‌شود (الوانی، ۱۳۸۷: ۹۴) لذا خط‌مشی می‌تواند به عنوان ترجیحات و ارزش‌های نخبگان حاکم مورد بررسی قرار گیرد. اگر چه گاهی اوقات چنین ادعا می‌شود که خط‌مشی عمومی منعکس‌کننده تقاضاهای «مردم» است، اما این در اغلب دموکراسی‌ها بیانگر نوعی افسانه بوده و واقعیت ندارد. نظریه این الگو بیان می‌کند که مردم بی‌تفاوت هستند، نسبت به خط‌مشی‌گذاری اطلاعات ضعیفی دارند و نخبگان آراء و نظرات عموم را در قالب خط‌مشی‌های عمومی شکل می‌دهند و در واقع ترجیحات نخبگان به صورت خط‌مشی‌های اخذشده توسط صاحبان پست و مقام و مدیران عمومی اجرا می‌شود (گیوریان و ربیعی مندجین، ۱۳۸۴: ۸۶). این الگو به دلیل فقدان ارزش‌های مردم‌سالارانه و عدالت‌طلبانه مورد انتقاد قرار می‌گیرد و با تعریف و کاربست شکل اصلاح‌شده‌ای از این الگو، از ظرفیت‌ها و محاسن آن برای بخش سیستم‌های خط‌مشی‌گذاری به ویژه خط‌مشی‌گذاری فرهنگی می‌توان بهره‌برد. بدیهی است که برای این منظور می‌باید در ابتدا به احصای مختصات وضعیت فرهنگی موجود پرداخت تا با روشن شدن شدت جهت‌گیری لازم، برای ترسیم وضعیت آینده آن اقدام نمود (پورعزت و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۸).

در الگوی سیاسی نیز رویکرد خط‌مشی‌گذاری قبل از آنکه انتخابی سنجیده، عقلایی و کاملاً منطقی باشد، حاصل بازی‌های قدرت و داد و ستدهای سیاسی است. فراگرد آن مجموعه‌ای از نیروهای قدرت و نفوذ در جامعه است که در آن بازیگران بسیاری با هدف‌ها و مقاصد گوناگون می‌کوشند تا از طریق نفوذ بر دیگران به اهداف معینی دست یابند. فراگرد سیاسی بسیج تلاش‌ها و توانمندی‌های مختلف برای نیل به اهدافی است که به تنهایی تحقق‌پذیر نخواهند بود؛ بلکه حاصل تعامل یک گروه است. از منظر این الگو یک خط‌مشی خوب آن است که بازیگران صحنه سیاست و صاحبان قدرت در مورد آن به توافق رسیده باشند؛ بدون آنکه تضمینی وجود داشته باشد که تصمیم مذکور بهترین و منطقی‌ترین طریق رسیدن به

مقصود و هدف است (الوانی، ۱۳۸۷: ۸۸). به این ترتیب خروجی‌های سیستم سیاسی خط‌مشی‌گذاری متأثر از بازیگرانی چون دولتمردان، قانونگذاران و گروه‌های ذی‌نفوذ هستند. در عالم واقع، بسیاری از خط‌مشی‌های فرهنگی نیز به شیوه الگوی سیاسی اتخاذ می‌شوند (پورعزت و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۴۵).

یکی دیگر از الگوهای کارآمد، الگوی نهادی است. طرفداران رویکرد نهادی موافق مداخله دولت در فرآیند خط‌مشی‌گذاری هستند، آنان معتقدند که نحوه تعامل با مساله، تعریف و تشخیص مساله تابع فرآیند دستور کار است. فرآیند دستور کار شکل‌گیری خط‌مشی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. سیاست تعیین‌کننده خط‌مشی معمولاً اقتدار قانونی است. در این رویکرد مرحله اصلی فعالیت بازیگران خط‌مشی اعم از دولتی یا غیر دولتی مرحله دستور کار است. در این مکتب نظریه و روش حاکمیت دارد و به ارزش‌های سیاسی-لیبرال-دموکراسی اعتقاد دارند. نهادگرایان قدیم بیشتر بر قانونگرایی، ساختارگرایی، کل‌گرایی بودند، اما نهادگرایان جدید بیشتر بر قواعد، پویایی نهاد ارزشی، انتقادی می‌توان از نهادگرایان نهایی خط‌مشی قدیم باز شناخت (دانشفرد، ۱۳۸۹: ۵۰). همچنین فعالیت‌های سیاسی بر موسسات دولتی نظیر قوای سه‌گانه مقننه، مجریه و قضائیه، سازمان‌های محلی و شهرداری‌ها متمرکز است. از لحاظ قانونی خط‌مشی عمومی به وسیله این نهادها تعیین، اجرا و اعمال می‌شود (قلی‌پور، ۱۳۸۷). رابطه خیلی نزدیکی بین خط‌مشی فرهنگی و نهادهای دولتی وجود دارد.

در نهایت الگوی ترکیبی انتخاب ابزار وجود دارد که معمولاً بسیاری از مطالعات اجرایی خط‌مشی‌ها به رویکرد بالا به پایین تأکید دارد. بر طبق این رویکرد، خط‌مشی‌گذاری مجموعه‌ای از سلسله مراتب فرماندهی است که در ابتدا رهبران برتر ترجیحات را بیان می‌کنند و سپس توسط سطوح پایین‌تر به اجرا در می‌آید. این رویکرد با تصمیم دولت آغاز می‌شود و میزان موفقیت یا شکست اجرا را بررسی می‌کند. طبق این رویکرد فرض بر آن است که خط‌مشی‌ها دارای اهداف روشنی هستند (هاولت، ۱۳۸۷). بزرگترین ایراد وارده به این رویکرد آن است که بیشترین تمرکز را بر مدیران ارشد دارد. این ایراد باعث شد تا پژوهشگران به رویکرد پایین به بالا توجه خاصی را مبدول نمایند. این رویکرد از هم‌بازیگران عمومی و هم‌خصوصی در تمامی فرایندها استفاده می‌کند. رویکرد از پایین به بالا به دلیل ایده‌آلی بودن آن

در عمل با مشکلات بسیاری مواجه بود، تا رویکرد سومی نیز به وجود آمد که در آن به جنبه انتخاب ابزارهای دولت برای طراحی خط‌مشی توجه می‌کند (مختاریان‌پور، ۱۳۹۳: ۳۷). اگر بتوان از نظر انتخاب ابزار در مورد اجرای خط‌مشی سخنی گفته شود، باید الگویی طراحی شود که «شرایط محیطی» و «شرایط گروه هدف» نقش اساسی در آن را بازی کند. شرایط گروه هدف مانند تحصیلات، همکاری و شرایط حاکم بر محیط کار، شامل محیط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. همان‌طور که مشخص است، اگر شرایط گروه هدف نامناسب باشد؛ یعنی گروه هدف با خط‌مشی گذاران همکاری نکند و همچنین هر میزان که شرایط محیطی رو به ناسامانی حرکت کند، مثلاً وقتی که میزان فساد، جرم و... در جامعه افزایش یابد، در این صورت به کارگیری ابزارهای اقتدارگرایانه همچون جریمه‌های سخت یک ضرورت است. اما اگر شرایط گروه هدف و محیط مناسب باشد، به کارگیری ابزارهای غیراقتدارگرایانه توصیه می‌شود و بین این دو حالت نیز استفاده از ابزارهای ترکیبی استفاده می‌شود (رضائیان، ۱۳۸۷: ۱۳۹). در کل آنچه از همه رویکردها و ادبیات نظری این پژوهش برداشت می‌شود، برای موفقیت مشارکت در اجرای خط‌مشی‌های فرهنگی مقوله‌هایی مانند میزان آگاهی از حقوق شهروندی، سطح بیگانگی سیاسی، آگاهی دانشی و تحصیلی، مسئولیت‌پذیری و سطح دسترسی به فناوری‌های نوین نقشی غیرقابل انکار دارند. بر اساس این پشتوانه نظری فرضیات زیر تدوین شدند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

فرضیات پژوهش

- ۱- سطح دسترسی زنان به فناوری‌های نوین بر میزان مشارکت آنان در اجرای خط‌مشی‌های فرهنگی تاثیر دارد.
- ۲- میزان آگاهی زنان از حقوق شهروندی بر میزان مشارکت آنان در اجرای خط‌مشی‌های فرهنگی تاثیر دارد.
- ۳- میزان بیگانگی سیاسی زنان بر میزان مشارکت آنان در اجرای خط‌مشی‌های فرهنگی تاثیر دارد.

۴- میزان آگاهی دانشی و تحصیلی زنان بر میزان مشارکت آنان در اجرای خط مشی‌های فرهنگی تاثیر دارد.

۵- میزان مسئولیت‌پذیری زنان بر میزان مشارکت آنان در اجرای خط مشی‌های فرهنگی تاثیر دارد.

روش پژوهش

بر مبنای هدف اصلی پژوهش که بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت زنان در اجرای خط‌مشی‌های فرهنگی است، روش این پژوهش کمی از نوع پیمایش محسوب می‌شود. جامعه آماری پژوهش شامل همه زنان ۱۵ تا ۶۰ ساله شهر اصفهان است. بر طبق اطلاعات مرکز آمار ایران جمعیت زنان و مردان ۱۵ تا ۶۰ ساله شهر اصفهان به تعداد ۲۴۶۳۱۱۷ نفر بوده است که به کمک فرمول کوکران ۳۸۴ نفر به عنوان حجم نمونه برآورد شده است. نمونه‌ها به روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای بر اساس جنسیت و مناطق شهری انتخاب شده‌اند و داده‌ها، توسط نرم افزار Spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. ابزار اندازه‌گیری متغیرهای سطح دسترسی زنان به فناوری‌های نوین، آگاهی از حقوق شهروندی، بیگانگی سیاسی، تحصیلات، مسئولیت‌پذیری و مشارکت در اجرای خط مشی‌های فرهنگی در این پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته است که با استفاده از برخی نظریات موجود در زمینه الگوهای اجرای خط مشی‌ها تدوین شده است. به منظور تهیه سوالات پرسشنامه با توجه به مطالعات انجام شده و بررسی مفاهیم اصلی در ساختار خط مشی‌گذاری و نیز مطالعه الگوهای آن، ابتدا هر یک از مولفه‌هایی که ممکن است شاخصی ذهنی برای متغیرهای پژوهش باشند، در نظر گرفته شدند و در نهایت متغیر وابسته با تعداد ۸ گویه تعریف و شاخص‌سازی شده‌اند.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

بر اساس نتایج حاصل از توصیف متغیرهای جمعیت‌شناختی میانگین سن پاسخگویان ۲۸ سال و در بحث تاهل ۴۲/۹ درصد زنان متاهل و ۵۷/۱ درصد در مجردان قرار داشته‌اند. در

مورد تحصیلات نیز ۱۵/۳ درصد پاسخگویان دارای تحصیلات زیر دیپلم، ۲۸/۱ درصد دارای تحصیلات دیپلم، ۴۴/۲ درصد دارای تحصیلات لیسانس و ۱۲/۴ درصد دارای تحصیلات ارشد و دکتری بوده‌اند. همچنین ۳۵/۲ درصد از پاسخگویان مهاجران و بقیه افراد ساکنان اصلی شهر اصفهان بوده‌اند. در مورد اشتغال آنها نیز ۳۹/۴ درصد شغل خود را آزاد عنوان کرده‌اند و حدود ۳۳ درصد افراد خانه دار و بقیه نیز مشاغل خود را عنوان نکرده‌اند. در رتبه‌بندی درآمدی، سطح درآمد "یک میلیون تا یک میلیون نیم در ماه" بیشترین فراوانی را هم در میان پاسخگویان (۴۴/۲ درصد) و درآمد بالای پنج میلیون تومان در ماه با ۴/۵ درصد فراوانی کمتر فراوانی را داشته است. در مورد وضعیت مسکن ۴۸/۷ درصد دارای مسکن ملکی هستند و بقیه فاقد مسکن شخصی هستند و در خانه‌های رهنی و اجاره‌ای اسکان یافته‌اند.

یافته‌های استنباطی

- فرضیه اول

- سطح دسترسی زنان به فناوری‌های نوین بر میزان مشارکت آنان در اجرای خط‌مش‌های فرهنگی تاثیر دارد.

جدول ۱- آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون اثر دسترسی به فناوری‌های نوین بر میزان مشارکت زنان در اجرای خط‌مش‌های فرهنگی

| نام متغیر | R | R ² | B | Beta | T | F | Sig |
|---------------------------|-------|----------------|--------|-------|-------|--------|-------|
| دسترسی به فناوری‌های نوین | ۰/۶۳۱ | ۰/۳۹۸ | ۱۲/۵۹۳ | ۰/۶۳۱ | ۶/۰۷۸ | ۶۸/۰۷۴ | ۰/۰۰۰ |

بر اساس نتایج حاصله، همبستگی ($R=0/631$) مثبتی بین سطح دسترسی زنان به فناوری‌های نوین و میزان مشارکت آنان در اجرای خط‌مش‌های فرهنگی وجود دارد و بر همین اساس مقدار $R^2=0/398$ نشان می‌دهد که متغیر میزان دسترسی به فناوری‌های نوین توانسته است ۴۰ درصد از واریانس متغیر وابسته (مشارکت زنان در اجرای خط‌مش‌های فرهنگی) را تبیین نماید. ضریب $B=12/593$ ، نشان می‌دهد که به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل (دسترسی به

فناوری‌های نوین)، ۱۲/۵۳۹ واحد به متغیر وابسته (مشارکت در اجرای خط‌مش‌های فرهنگی)، افزوده می‌شود. با توجه به مقادیر $T=۶/۰۸$ ، $F=۶۸/۰۷$ و $Sig = ۰/۰۰۰$ ، رابطه مشاهده شده بین دو متغیر در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار است، لذا فرضیه فوق تایید می‌شود.

- فرضیه دوم

- میزان آگاهی زنان از حقوق شهروندی بر میزان مشارکت آنان در اجرای خط‌مش‌های فرهنگی تاثیر دارد.

جدول ۲- آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون اثر آگاهی زنان از حقوق شهروندی بر میزان مشارکت زنان در اجرای خط‌مش‌های فرهنگی

| نام متغیر | R | R ² | B | Beta | T | F | Sig |
|----------------------------|-------|----------------|-------|-------|-------|--------|-------|
| آگاهی زنان از حقوق شهروندی | ۰/۶۰۴ | ۰/۳۶۵ | ۳/۵۱۳ | ۰/۶۰۴ | ۷/۶۹۵ | ۵۹/۲۰۹ | ۰/۰۰۰ |

بر اساس نتایج حاصله، همبستگی ($R=۰/۶۰۴$) مثبتی بین سطح آگاهی زنان از حقوق شهروندی و میزان مشارکت آنان در اجرای خط‌مش‌های فرهنگی وجود دارد و بر همین اساس مقدار $R^2=۰/۳۶۵$ نشان می‌دهد که متغیر میزان آگاهی زنان از حقوق شهروندی توانسته است ۳۶ درصد از واریانس متغیر وابسته (مشارکت زنان در اجرای خط‌مش‌های فرهنگی) را تبیین نماید. ضریب $B=۳/۵۱۳$ ، نشان می‌دهد که به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل (آگاهی زنان از حقوق شهروندی)، $۳/۵۱۳$ واحد به متغیر وابسته (مشارکت در اجرای خط‌مش‌های فرهنگی)، افزوده می‌شود. با توجه به مقادیر $T=۷/۶۹$ ، $F=۵۹/۲۱$ و $Sig = ۰/۰۰۰$ ، رابطه مشاهده شده بین دو متغیر در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار است، لذا فرضیه فوق تایید می‌شود.

- فرضیه سوم

- میزان بیگانگی سیاسی زنان بر میزان مشارکت آنان در اجرای خط‌م‌ش‌های فرهنگی تاثیر دارد.

جدول ۳- آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون اثر میزان بیگانگی سیاسی زنان بر

میزان مشارکت زنان در اجرای خط‌م‌ش‌های فرهنگی

| نام متغیر | R | R ² | B | Beta | T | F | Sig |
|---------------|--------|----------------|--------|--------|--------|--------|-------|
| بیگانگی سیاسی | -۰/۶۲۱ | ۰/۳۴۵ | -۳/۶۵۲ | -۰/۶۲۱ | -۸/۰۳۹ | ۶۴/۶۲۸ | ۰/۰۰۰ |

بر اساس نتایج حاصله، همبستگی ($R = -0.621$) معکوسی بین میزان بیگانگی سیاسی زنان و میزان مشارکت آنان در اجرای خط‌م‌ش‌های فرهنگی وجود دارد و بر همین اساس مقدار $R^2 = 0.345$ نشان می‌دهد که متغیر میزان بیگانگی سیاسی زنان توانسته است ۳۴ درصد از واریانس متغیر وابسته (مشارکت زنان در اجرای خط‌م‌ش‌های فرهنگی) را تبیین نماید. ضریب $B = -3.652$ ، نشان می‌دهد که به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل (میزان بیگانگی سیاسی زنان)، ۳/۶۵۲ واحد از متغیر وابسته (مشارکت در اجرای خط‌م‌ش‌های فرهنگی)، کاسته می‌شود. با توجه به مقادیر $T = -8.04$ ، $F = 64.63$ و $Sig = 0.000$ ، رابطه مشاهده شده بین دو متغیر در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار است، لذا فرضیه فوق تایید می‌شود.

- فرضیه چهارم

- میزان آگاهی دانشی و تحصیلی زنان بر میزان مشارکت آنان در اجرای خط‌م‌ش‌های فرهنگی تاثیر دارد.

جدول ۴- آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون اثر میزان آگاهی دانشی و تحصیلی بر

میزان مشارکت زنان در اجرای خط‌م‌ش‌های فرهنگی

| نام متغیر | R | R ² | B | Beta | T | F | Sig |
|----------------------------|-------|----------------|-------|-------|--------|---------|-------|
| میزان آگاهی دانشی و تحصیلی | ۰/۷۲۴ | ۰/۵۲۴ | ۴/۰۳۵ | ۰/۷۲۴ | ۱۰/۶۵۳ | ۱۱۳/۴۸۲ | ۰/۰۰۰ |

بر اساس نتایج حاصله، همبستگی ($R=0/724$) مثبتی بین سطح میزان آگاهی دانشی و تحصیلی و میزان مشارکت آنان در اجرای خط مش‌های فرهنگی وجود دارد و بر همین اساس مقدار $R^2=0/524$ نشان می‌دهد که متغیر میزان آگاهی دانشی و تحصیلی توانسته است ۵۲ درصد از واریانس متغیر وابسته (مشارکت زنان در اجرای خط‌مش‌های فرهنگی) را تبیین نماید. ضریب $B=4/035$ ، نشان می‌دهد که به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل (میزان آگاهی دانشی و تحصیلی)، $4/035$ واحد به متغیر وابسته (مشارکت در اجرای خط‌مش‌های فرهنگی)، افزوده می‌شود. با توجه به مقادیر $T=10/65$ ، $F=113/48$ و $Sig = 0/000$ ، رابطه مشاهده شده بین دو متغیر در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار است، لذا فرضیه فوق تایید می‌شود.

- فرضیه پنجم

- میزان مسئولیت‌پذیری زنان بر میزان مشارکت آنان در اجرای خط‌مش‌های فرهنگی تاثیر دارد.

جدول ۵- آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون اثر میزان مسئولیت‌پذیری بر میزان مشارکت زنان در اجرای خط‌مش‌های فرهنگی

| نام متغیر | R | R^2 | B | Beta | T | F | Sig |
|---------------------|-------|-------|-------|-------|-------|--------|-------|
| میزان مسئولیت‌پذیری | 0/612 | 0/365 | 3/836 | 0/612 | 8/972 | 80/469 | 0/000 |

بر اساس نتایج حاصله، همبستگی ($R=0/612$) مثبتی بین میزان مسئولیت‌پذیری زنان و میزان مشارکت آنان در اجرای خط‌مش‌های فرهنگی وجود دارد و بر همین اساس مقدار $R^2=0/365$ نشان می‌دهد که متغیر میزان میزان مسئولیت‌پذیری توانسته است ۳۶ درصد از واریانس متغیر وابسته (مشارکت زنان در اجرای خط‌مش‌های فرهنگی) را تبیین نماید. ضریب $B=3/836$ ، نشان می‌دهد که به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل (میزان مسئولیت‌پذیری)، $3/836$ واحد به متغیر وابسته (مشارکت در اجرای خط‌مش‌های فرهنگی)، افزوده می‌شود. با توجه به مقادیر $T=8/97$ ، $F=80/47$ و $Sig = 0/000$ ، رابطه مشاهده شده بین دو متغیر در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار است، لذا فرضیه فوق تایید می‌شود.

نتیجه‌گیری

در ایران معمولاً سیاست‌گذاری فرهنگی از بالا انجام می‌شود و دولت برای تمام حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی حتی حوزه خصوصی، برنامه‌ریزی و اهدافی را دنبال می‌کند که شامل کنترل عمومی بر ابزارهای تولید فرهنگی، مشارکت گروه‌های مختلف و دسترسی همه به تولیدات فرهنگی است. اما آنجا باعث موفقیت این سیاست‌ها خواهد شد، مشارکت همه شهروندان در فرایند اجرای این سیاست‌ها و خط‌م‌ش‌هاست و یکی از موضوعات مهمی که در سال‌های اخیر در بین کشورهای جهان اهمیت زیادی یافته است، بحث مشارکت عمومی مردم در فرایند خط‌م‌ش‌گذاری است. منظور از مشارکت عمومی در واقع مشاوره و گفت‌و‌مان بین بخش‌های مختلف جامعه و نظرخواهی از آنها برای اثرگذاری بر فرایند تدوین و اجرای خط‌م‌ش‌ها است. در ایران نیز خط‌م‌ش‌ی فرهنگی به وسیله دولت خلق می‌شود و به وسیله بازیگران عمومی یا خصوصی به اجرا در می‌آید و در نهایت دارای تاثیرات مستقیم و غیر مستقیم در زندگی همه شهروندان و آحاد جامعه است. در برخی موارد وضعیت فرهنگی عمومی جامعه وضعیت مطلوبی را نشان نمی‌دهد و در بسیاری از پروژه‌ها فرایند خط‌م‌ش‌ی‌گذاری شکست‌هایی را تجربه کرده است و این تجربه شکست بیشتر به خاطر نامناسب بودن ابزارهای پیش‌بینی شده برای اجرای آن بوده است. همچنین دولت‌ها در اجرای بسیاری از خط‌م‌ش‌ی‌های فرهنگی موفق عمل نمی‌کنند. بر اساس رویکردهای نظری موجود مشارکت همه شهروندان به ویژه مشارکت زنان، بهترین و مهم‌ترین تضمین برای اجرای موفق خط‌م‌ش‌ی‌های فرهنگی کشور است. امروزه شواهد نشان می‌دهد جایگاه زنان در جمهوری اسلامی ایران از ابعاد آموزشی، ارتقای فرهنگ، سازمان‌های غیردولتی، ورزش و اوقات فراغت، امنیت اجتماعی و مشارکت فرهنگی، به تدریج بهبود نسبی پیدا کرده است. بنابراین الگوی سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران درباره زنان الگوی دولتی با دخالت بیشینه دولت و کمینه بخش خصوصی در تدوین و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی است. زنان بر اساس الگوهای اجتماعی از قبل تعریف شده نقش‌های خود را در اجتماع اجرا می‌کنند، بنابراین زنان آن‌گونه عمل می‌کنند که از آنان خواسته شده است. بر همین اساس می‌توان گفت آنها سهم بسزایی در سیاست‌های فرهنگی جامعه دارند. چرا که بخش بزرگی از فرایند اجتماعی شدن از جانب آنان صورت

می‌گیرد. از آنجایی که هدف این پژوهش بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت زنان در اجرای خط‌مش‌های فرهنگی است، نتایج نظری و آماری نشان داد که متغیرهای دسترسی به فناوری‌های نوین، آگاهی زنان از حقوق شهروندی، بیگانگی سیاسی، میزان آگاهی دانشی و تحصیلی و میزان مسئولیت‌پذیری بر مشارکت زنان در اجرای خط‌مش‌های فرهنگی اثر معناداری دارند. بنابراین اگر در جامعه به تقویت فناوری‌های نوین، افزایش آگاهی زنان از حقوق شهروندی، کاهش بیگانگی سیاسی، توسعه میزان آگاهی دانشی و تحصیلی و مسئولیت‌پذیری اهتمام شود، بدون شک خط‌مش‌های فرهنگی جامعه تجربه به سامانی را در فرایندهای اجرایی خواهند داشت.

منابع

- ۱- اشتریان، کیومرث. (۱۳۸۵). علوم سیاست‌گذاری. و دستاوردهای آن برای وب سایت کیومرث اشتریان.
- ۲- اعرابی، سید محمد و رفیعی. (۱۳۷۸). درآمدی بر پژوهش کیفی. فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۲۱-۲۲.
- ۳- الوانی، سید مهدی (۱۳۸۲). خط‌مشی دانش‌آفرین، ضرورت بقاء در سازمان‌های امروز فصلنامه مجلس و پژوهش، (ویژه نامه آموزش عالی)، شماره ۴۱.
- ۴- الوانی، سید مهدی و شریف زاده، فتاح (۱۳۹۳). فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۵- الوانی، سیدمهدی. (۱۳۸۷). خط‌مشی عمومی و اجرا، فصلنامه حقوق و مصلحت، سال اول، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۷.
- ۶- پورعزت، علی اصغر؛ الوانی، سیدمهدی. (۱۳۸۳). مبانی منطقی طراحی سیستم خط‌مشی‌گذاری دولتی برای تحقق عدالت حق‌مدار (براساس نهج البلاغه)، دانشور رفتار، تیر ۱۳۸۳، دوره ۱۱، شماره ۵ (ویژه مقالات مدیریت ۲)، از صفحه ۱۱ تا صفحه ۳۸.
- ۷- دانایی‌فر، حسن و مجتبی امامی (۱۳۸۶). «استراتژی‌های پژوهش کیفی: تاملی بر نظریه-پردازی داده‌بنیاد»، اندیشه مدیریت، سال اول، شماره دوم، صص ۶۹-۹۷.

- ۸- دانایی فرد، حسن؛ ثقفی، عمادالدین؛ مشبکی اصفهانی، اصغر. (۱۳۸۹). اجرای خط‌مشی عمومی: بررسی نقش عقلانیت در مرحله تدوین خط‌مشی، پژوهش‌های مدیریت در ایران (مدرس علوم انسانی)، زمستان ۱۳۸۹، دوره ۱۴، شماره ۴ (پیاپی ۶۹)، از صفحه ۷۹ تا صفحه ۱۰۶.
- ۹- دانشفرد، کرم‌الله. (۱۳۹۳). موانع اجرای خط‌مشی‌های عمومی در سازمانهای غیردولتی (بخش خدمات پلیس +۱۰ و دفاتر خدمات پیشخوان دولت)، فصلنامه علمی-پژوهشی مدیریت منابع در نیروی انتظامی، سال دوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۳، از صفحه ۲۳ تا ۵۰.
- ۱۰- رجب بیگی، مجتبی. (۱۳۹۵). موانع دستیابی به اجرای کامل خط‌مشی‌های عمومی، فرایند مدیریت و توسعه، پائیز و زمستان ۱۳۷۸. ۷۳ تا ۸۴.
- ۱۱- رضائیان، علی (۱۳۹۳) مبانی سازمان و مدیریت، تهران: انتشارت سمت.
- ۱۲- سند برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴-۱۳۸۸).
- ۱۳- سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران ۱۴۰۴.
- ۱۴- طاهرپور کلانتری، حبیب‌الله؛ معمارزاده طهران، غلامرضا. (۱۳۸۷). عوامل مؤثر بر اجرای موفق خط‌مشی‌های مالیاتی مصوب مجلس، پژوهشنامه اقتصادی، زمستان ۱۳۸۷، شماره ۴ (ویژه‌نامه طرح تعدیل اقتصادی)، صص ۴۵ تا ۶۸.
- ۱۵- طاهرپور کلانتری، حبیب‌الله؛ معمارزاده طهران، غلامرضا. (۱۳۸۷). عوامل مؤثر بر اجرای موفق خط‌مشی‌های مالیاتی مصوب مجلس، پژوهشنامه اقتصادی، زمستان ۱۳۸۷، شماره ۴ (ویژه‌نامه طرح تعدیل اقتصادی)، صص ۴۵ تا ۶۸.
- ۱۶- عاملی، احمد علی. (۱۳۹۳). نظرها و دیدگاهها برون رفت از مشکلات اقتصادی، ماهنامه تخصصی پردازش، شماره ۸۱.
- ۱۷- قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۸۷)، تصمیم‌گیری سازمانی و فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی انتشارات سمت.
- ۱۸- گریفین، مورهد. (۱۳۸۶). رفتار سازمانی، مهدی الوانی و غلامرضا معمارزاده، تهران، مروارید، چاپ دوازدهم.

- ۱۹- گل محمدی، احمد (۱۳۹۰) جهانی شدن و هویت خاص گرایي فرهنگي در جهان معاصر، تهران، دانشگاه تهران
- ۲۰- معمارزاده طهران، غلامرضا؛ ميرسپاسي، ناصر؛ جليلي، سودابه. (۱۳۹۰). ارائه مدل برای ارزیابی اثربخشی اجرای خط مشی های عمومی جمهوری اسلامی ایران در حوزه بهداشت و درمان، رسالت مدیریت دولتی (مدیریت دولتی)، زمستان ۱۳۹۰؛ دوره ۲، شماره ۴؛ از صفحه ۱۹ تا صفحه ۳۱.
- ۲۱- نجف بیگی، رضا. (۱۳۸۹). خط مشی گذاری مدیریت فرهنگي در آموزش، نشریه برگ فرهنگ، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، دوره جدید، شماره ۲۲، از صفحه ۱۰۶ تا صفحه ۱۱۷.
- ۲۲- هاونت مایکل و ام رامش (۱۹۹۵). مطالعه خط مشی عمومی، ترجمه عباس منوریان و ابراهیم گلشن، انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۸۰.
- 23- Anderson . J.E,(2005), public policymaking: An introduction, publisher. Houghton Mifflin Comparry; 6R ev E dedition.
- 24- Barrera, David. Velasco, Nubia. Amaya, Ciro-Alberto. (2012). A network-based approach to the multi-activity combined timetabling and crew scheduling problem: Workforce scheduling for public health policy implementation, Computers & Industrial Engineering, Volume 63, Issue 4, December 2012, Pages 802-812.
- 25- Burds, (2004), selling out Higher education policy? , journal of the chronical Higher education, Vol 50, No2
- 26- Fenge, R. (2008). "The Provision of Higher Education in a Global World— Analysis and Policy Implications," CESifo Economic Studies, CESifo, vol. 54(2), pages 248-276, June.
- 27- Milkovich, M. E. and Grodons G. J. (2001) public Admiristration in American (7 E. d), Bostorn; Bedford.
- 28- Tansy, S.(2003) Politics; The Basics, London; Routledge.
- 29- Tummers, Lars. (2011). Explaining the willingness of public professionals to implement new policies: a policy alienation framework, International Review of Administrative Sciences, vol. 77, 3: pp. 555-581.